

خطیب جمعه تهران:
رهبر اجازه دهد، سپاه تل آویو را
با خاک یکسان می‌کند

گروه سیاست: روز گذشته، پس از پایان نماز جمعه در سراسر کشور، نمازگزاران با راهپیمایی، اقدام آمریکا در قراردادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی را محکوم کردند. به گزارش ایسنا، در راهپیمایی تهران اقشار...

صفحه ۳

شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۸ | ۷ شعبان ۱۴۴۰ | ۱۳ آوریل ۲۰۱۹

تنترها

دولت سدساز دولت قربانی سد

۲۵۰روستای خوزستان زیر آب هستند

صفحه‌های ۱۳و۲

سود نامتعارف
۶۵۰ هزار میلیارد ریالی
۱۷ بنگاه خصولتی

صفحه ۵

سودان بدون دیکتاتور

صفحه ۷

بیانیه نهضت آزادی در حمایت از سپاه

صفحه ۶



نامه سرگشاده زیناکلام به رئیس دولت اصلاحات
تقویت دموکراسی، مطالبه
اصلی اصلاح طلبان باشد

با سلام و تحیات، اظهارنظر اخبرتان در دیدار با شماری از اعضای فراکسیون امید مبنی بر اینکه «مردم دیگر به توصیه ما مبنی بر شرکت در انتخابات توجهی نخواهند کرد»، مبین بحران عمیقی است که جریان اصلاحات مدت‌ها گرفتار آن شده و رهبری اصلاحات نیز هیچ گامی برای مواجهه با آن برنداشته است. در اینکه اصلاح طلبان بخش قابل توجهی از محبویتشان را از دست داده‌اند، تردیدی نیست. بسیاری از اقشار تحصیل کرده و جوان‌تر، مدت‌هاست این باور که انتخاباتی می‌تواند تغییری به وجود آورد را از دست داده‌اند. مع‌ذالک بسیاری از آنها در دو انتخابات ۹۴ و ۹۶ به اصرار و ترغیب اصلاح طلبان شرکت کردند؛ اما عملکرد فراکسیون امید و از آن بدتر عملکرد آقای روحانی سبب شده که آنها دیگر در انتخابات شرکت نکنند. ریختن همه تقصیرها بر گردن مجلس و آقای روحانی، ندیدن ابعاد گسترده‌تر بحران اصلاح طلبان است. علی‌رغم آنکه بیش از دو دهه از شکل‌گیری اصلاحات می‌گذرد؛ اما بسیاری از رای‌دهندگان نمی‌دانند خواسته‌های این جریان کدام هستند و اساسا چه تفاوتی میان آنان با اصولگرایان وجود دارد. آیا مسئولیت ظهور شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا دیگه نمومه ماجرا» بیش از همه بر عهده خود ما نیست؟ واقعیت تلخ آن است که اصلاح‌طلبی خلاصه شده در مثتی شعارهای زیبا و کلی؛ شعارهایی که مشابه آنها را اصولگرایانی هم تکرار می‌کنند. بعد از گذشت ۲۰ سال ما هنوز نتوانسته‌ایم یک هویت مشخص ترقی‌خواهانه برای خودمان خلق نماییم. خواسته‌های مشخص اصلاح طلبان که آنها را در جایگاه یک جریان دموکراتیک و ترقی‌خواه قرار می‌دهد، کدام هستند؟ بی‌هویتی جریان اصلاحات را نه می‌توانیم بر گردن اصولگرایان بیفکنیم، نه روحانی، نه شورای نگهبان و نه نظارت استصوابی. ما هنوز نتوانسته‌ایم یک شعار استراتژیک برای اصلاح طلبی که به صورت شناسنامه و هویت آن درآمده باشد، ایجاد نماییم. جناب آقای رئیس، ریشه همه مصیبت‌های کشور، اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قومیتی، زنان و... در کم‌ربودنم آزادی خلاصه می‌شود؛ بنابراین آزادی‌خواهی و تلاش در تقویت دموکراسی می‌بایستی در رأس مطالبات اصلاح طلبان قرار بگیرد؛ به‌گونه‌ای‌که دموکراسی‌خواهی به‌تدریج بدل به بارزترین هویت جریان اصلاحات شود.

سازمان آگهی‌های
روزنامه شرق

۸۸۱۹۰۴۶۸-۸۸۱۹۳۷۷۹



روزنامه

پیگیری‌های «شرق» زوایای پنهان دیگر در تخلفات پتروشیمی را رونمایی می‌کند

دست‌کاری مدارک در پتروشیمی گیت

صفحه ۴



حمید بعیدی نژاد در گفت‌وگو با کریستین امان پور

بعد از خروج آمریکا از برجام
هیچ مذاکره‌ای با آنها نکردیم

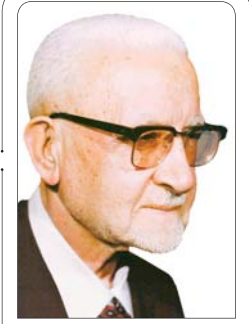
صفحه ۱۵

به بهانه هفدهمین سال درگذشت دکتر یدالله سبحانی

مرگ احباگر نواندیشی دینی

گروه سیاست: ۲۳ فروردین ۸۱ بود که یدالله سبحانی، پیشگام علم زمین‌شناسی در ایران و از بنیان‌گذاران نهضت آزادی درگذشت؛ مردی که در تاریخ معاصر ایران به اعتدال راستین شهره است، چنان‌که میراث او، محمود طالقانی و مهدی بازرگان...

صفحه ۶



سرمقاله

فریب‌دادن مردم سخت است

احمد غلامی . سردبیر



در شرایط کنونی نیروهای مترقی و مصلح جامعه که دل در گرو اصلاح امور به‌شیوه‌ای تدریجی و عقلانی دارند، بیش از هر زمان دیگری در تنگنا قرار گرفته‌اند. این مصلحان طیف‌های متفاوتی‌اند که الزاما همه در زیرمجموعه اصلاح طلبان تعریف و کنجانه نمی‌شوند. گرچه مخالفان داخلی و خارجی اصلاح امور عامدانه تلاش می‌کنند هرگونه تفکر مصلحانه را در زیرمجموعه اصلاح طلبان تعریف و جاکیر کنند. این نگاه کل‌گرایانه به مصلحان، بیش از هر چیز به روند اصلاح در کشور آسیب زده است. مصلحان جامعه صرفا اصلاح طلبان در قدرت و خارج دایره قدرت نیستند؛ بی‌شمار افرادی‌اند از طیف‌های خاموش جامعه که تفکری مصلحانه دارند و خاصه اینکه، این تفکر الزاما نسبتی با جریان سیاسی اصلاح طلبان ندارد. حتی چه بسا در برخی موارد با نگاه اصلاح طلبان هم سر ناسازگاری دارد. این روزها به‌عمد این توده‌های وسیع که بخش متفاوت و متنوعی از مردم در همه طبقات اجتماعی‌اند، توانشان نادیده گرفته می‌شود؛ هم از سوی مخالفان داخلی و هم مخالفان خارجی که چشم به تغییرات اصلاحی دارند. همواره در جنبش‌های اجتماعی ایران در بزنگاه‌ها و اتحادها، اعتراف‌هایی شده که غافلگیرکننده بوده است. اگر اینک اصلاح طلبان، سرمایه اجتماعی و هژمونی‌شان کاهش یافته است، این به آن معنا نیست که آنها در جنبش‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته باشند؛ اما نکته مهم این است که اتحادها و ائتلاف‌های سیاسی و اقتصادی دیروز که در قالب واژگان سیاسی و ایدئولوژیک بیان می‌شد، کارکرد خود را از دست داده‌اند و جریان‌های سیاسی منفک از این ایدئولوژی، در طبقات اجتماعی خود رها شده و مستعد جذب در اتحادها و ائتلاف‌های تازه‌اند. همچون ات‌های سرگردانی که در عین به‌هم‌ریختگی، نظمی خودانگیخته دارند. به تعبیر دیگر بعید است از آشفتنگی این جریان‌ها منظومه‌ای از جنبش‌های ساختارشکن شکل بگیرد. از سوی دیگر در شرایط کنونی با اینکه مصلحان جامعه با اصلاح طلبان اشتراک طبقاتی دارند، به دشواری با هم به ائتلاف خواهند رسید. مخالفان داخلی و خارجی اصلاح طلبان در معادلات و محاسباتشان، مصلحان جامعه را حامی خود یا نادیده می‌انگارند و آنان را طیف خاکستری جامعه می‌نامند؛ اما در واقع این‌گونه نیست. این طبقه متوسط مصلحان جامعه اگرچه در سیاست به معنای قدرت حضور ندارند، اما نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای در سیاست داخلی ایران دارند. اغلب این مصلحان نیز بیش از آنکه نگاشنان به خارج از مرزا باشد، به تغییر از درون می‌اندیشند. مخالفان، باز در نگاهی کلی‌گرایانه جریان اصولگرایی را تمام‌شده می‌دانند و آن را چنان نادیده می‌گیرند که گویی اصولگرایان دود شده و به هوا رفته‌اند. هیچ جریان اجتماعی و سیاسی‌ای دود نمی‌شود؛ به هوا برود، شاید توان و هژمونی‌اش را در مقطعی از دست بدهد، اما به آن معنا نیست که این توان قابل بازگشت نباشد؛ خاصه اینکه اگر مخالفان درصد داری جامعه‌ای دموکراتیک‌تر در ایران باشند، آنچه رخ داده جابه‌جایی در جایگاه سخن است. آنان که رخ دایروز صدا و جایگاه سخن نداشته‌اند، صاحب صدا شده‌اند و کسانی که بر صدا بوده‌اند، جایگاه سخن خود را از دست داده‌اند. همان‌طورکه خاموشان دیروز مانند تا صدایشان شنیده شود؛ پس دلیلی وجود ندارد که خاموشان امروز همیشه در سکوت بمانند؛ اما این به آن معنا نیست که این توان قابل بازگشت نباشد.

تاریخ جنبش‌های اجتماعی ایران پر است از اتحادها و ائتلاف‌های شکننده که مهم‌ترین آنها در جنبش مشروطه رخ داده است. جنبش مشروطه و انقلاب اسلامی، طبقات اجتماعی ایران را به این خودآگاهی رسانده که برای تغییر شرایط موجود با هر طیف و جریانی نمی‌شود ائتلاف کرد. برانود آبراهامیان در جنبش مشروطه از نیروهای اجتماعی طبقه متوسط نام می‌برد؛ یکی بازاربان سنتی که بازارگان، پیشه‌وران و روحانیان را شامل می‌شود که داشته است. اما افشاری، تحلیلگر دیگر جنبش‌های اجتماعی دیدگاه رادیکال‌تری دارد. او می‌گوید: «محور انقلاب مشروطیت را پیشه‌وران، صنعتگران، بازارگان کوچک و دکانداران خرده‌پا تشکیل می‌داده است». دیدگاه افشاری از آن جهت گامی به جلو است که طبقه متوسط متمکن را به عناصر تشکیل‌دهنده‌اش تجزیه می‌کند. هرچند این گروه بزرگ‌داده‌ها و منافع همانندی نداشته‌اند...

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

قیمت سیلاب‌ها چقدر است؟

(و جلوگیری از شورش‌شدن آب‌های شیرین در مناطق لازم
ز- کنترل و نظارت بر چگونگی و میزان مصارف آب و در صورت لزوم جیره‌بندی آن
ح) تأسیس شرکت‌ها و سازمان‌های آب منطقه‌ای و مؤسسات و تشکیل هیئت‌ها و کمیته‌های مورد نیاز
ط) انجام سایر اموری که مؤثر در تأمین آب باشد
تبصره: ایجاد شبکه‌های آبیاری سه و چهار و تنظیم و انتقال آب از آنها تا محل‌های مصرف با وزارت کشاورزی است.
وزارت نیرو که وظیفه ذاتی آن «مهارکردن سیلاب‌ها و ذخیره آب رودخانه‌ها در مخازن سطحی یا زیرزمینی است»، تنها به یک وظیفه اولیه یعنی سدسازی در اجرای آن فواید زیادی برای مجریان آن نرفته، پسندیده کرده است. قبل از انقلاب فقط ۱۹ سد در کشور احداث شده بود، سدهایی که با کارشناسی‌های لازم و با در نظر گرفتن میزان روان‌آب‌ها و مخزن نگهداری و نیز شبکه‌های پایین‌دست سد احداث شده است؛ اما در این سال‌ها از سطح تالاب هورالعظیم برای استخراج نفت استفاده شد و خشک‌شدن آن ره میلیون‌ها نفر را درگیر زیرگردها کرد. سدسازی در عالم واقع تعریف خاص خود را دارد؛ از مکان‌یابی سد تا احداث آن و شبکه زیر سد که در بند «ب» و تبصره ذیل ماده ۲۹ تعریف شده است، یعنی تنظیم و انتقال آب با ایجاد تأسیسات آبی و کانال‌ها و خطوط آب‌رسانی و شبکه آبیاری، با تأسیف اغلب سدهای احداثی فقط در مرحله احداث سد برنامه‌ریزی شدند و موضوع تأسیسات آبی و کانال‌ها و خطوط آب‌رسانی و شبکه آبیاری به امید خدا رها شد. وزارت نیرو از کدام شبکه آبیاری زیرسدهایی که ساخته است می‌تواند دفاع کند؟ مه‌تر از آن برابر بند «الف» ماده ۲۹ قانون توزیع عادلانه آب، مهارکردن سیلاب‌ها و ذخیره‌کردن آب رودخانه‌ها در مخازن سطحی، وظیفه دیگری هم برای وزارت نیرو تعریف شده است و آن ذخیره‌کردن آب در زیر زمین است. به این بخش از شرح وظایف وزارت نیرو عمل نشده؛ موضوعی که اگر وزارت نیرو به وظایف ذاتی خود عمل می‌کرد و با عددی که وزیر از ارزش ذخیره سیلاب‌ها در پشت سدها یعنی ۲/۵ میلیارد دلار اعلام کرده، می‌شد در عالم واقع صدها میلیارد دلار با آبخیزداری و آبخوان‌داری به سرمایه ملی افزود. اگر به مهار سیلاب‌ها با برنامه آبخوان‌داری یا آبخیزداری به‌وسیله وزارت نیرو عمل می‌شد، علاوه بر مهار روان‌آب‌ها در ۴۰ سال گذشته با آبخیزداری و آبخوان‌داری و تزریق این آب‌ها به زیر زمین، از فرسایش خاک جلوگیری می‌شد.

ادامه در صفحه ۲

نعمت احمدی
حقوق‌دان



سیلاب‌های فراگیری که چندین استان کشور را در خود فروبرد، با عمل چندین دستگاه و نهاد به وظایف ذاتی خود می‌توانست به‌راحتی مهار شود. نخستین قانونی که مجری آن باید وزارت نیرو باشد، «قانون توزیع عادلانه آب» است. از آغاز دوره حاکمیت قانون در ایران، قانون‌گذار به مسائل مربوط به قنات، رودها و مسیل‌ها توجه معدنی است؛ برای مثال قانون مربوط به قنات، مصوب ۱۳۰۹ است که هنوز لازم‌الاجراست. قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ براساس اصل ۴۵ قانون اساسی که انغال و ثروت‌های عمومی را برشمرده و در اختیار حکومت اسلامی قرار داده است تا طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند، تصویب شده است. در ماده یک این قانون آمده است «براساس اصل ۴۵ قانون اساسی آب‌های دریاها و آب‌های جاری در رودها و انهار طبیعی و دره‌ها و هر مسیر طبیعی دیگر اعم از سطحی و زیرزمینی و سیلاب‌ها و فاضلاب‌ها و راه آب‌ها و دریاچه‌ها و مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی و چشمه‌سارها و آب‌های معدنی و منابع آب‌های زیرزمینی، از مشترکات بوده و در اختیار حکومت اسلامی و طبق مصالح عامه از آنها بهره‌برداری می‌شود و مسئولیت حفظ و اجازه و نظارت بر بهره‌برداری از آنها به دولت محول می‌شود». در ماده ۲۹ همین قانون وزارت نیرو و دادداشت‌های دیگر به تفصیل به این موضوع پرداخته‌ام. در اینجا از ورود به جزئیات خودداری می‌کنم). این اقدام جدید آمریکا تنها ممکن است از نظر سیاسی و روانی بر شرکت‌های غیرایرانی اثراتی داشته و با تبلیغ احتمال مشارکت غیرعلنی سپاه در برخی پروژه‌ها، آنها را بیش‌ازپیش از کار با شرکت‌های ایرانی برحذر دارد.
۳- تکلیف تعامل سپاه و ستنگام در حوزه‌های عملیاتی چیست؟ خلیج فارس یکی از مناطقی است که شناورهای این دو نیرو در آن حضور فعال دارند. سپاه عهده‌دار امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز است و ستنگام در اغلب کشورهای حاشیه این آبراه پایگه‌ها دارد. در نتیجه، مواجهه و تماس بین آنها ناگزیر است؛ اما نباید تصور کرد که اقدام آنها به تروریست‌شمردن یکدیگر باید مانع تماس‌ها و هماهنگی‌های روزمره بین آنها شود. تماس بین طرف‌های فعال در عرصه‌های عملیاتی و حتی صحنه‌های نبرد همیشه امری رایج بوده و در حکم شناسایی طرف مقابل نبوده است.

یادداشت

تعامل سپاه و ستنگام در دوره جدید



کوروش احمدی
کارشناس روابط بین‌الملل

مقابله نظامی با آن نیستیم. آمریکا خود قائل به تمایز دقیقی بین این دو است. در این باره از اصطلاح enemy combatant یا دشمن حربی برای نامیدن گروه‌های غیردولتی غیرقانونی و درگیر جنگ مسلحانه مثلا تروریست‌های القاعده و داعش و... استفاده می‌شود که متفاوت است با «نیروهای نظامی منظم یک کشور متخاصم درگیر عملیات نظامی» علیه آمریکا بر طبق ضوابط کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو؛ بنابراین برای آمریکا «درگیری مسلحانه علیه آمریکا» پیش‌شرط تعریف دشمن حربی است. در دیگر موارد، آمریکا ارائه هرگونه «حمایت عینی و منابع» تأثیرات آن بر حال و آینده روابط ایران و آمریکا، برخی مربوطه را منع کرده و تَخلف از آن را امری جنایی تلقی و برای مرتکبان تا ۲۰ سال زندان در نظر گرفته است، بنابراین باید در نظر داشت که صرف تروریست‌نامیدن یک سازمان به معنی تصمیم به انجام عملیات نظامی علیه آن سازمان نیست. این امر قاعدتا در باره تروریست‌نامیدن ستنگام از طرف ایران نیز باید صادق باشد.
۲- آیا تروریست‌نامیدن سپاه تأثیری بر تحریم‌ها دارد؟ اقدام آمریکا در قراردادن سپاه در فهرست FTO فاقد هرگونه آثار تحریمی جدید است؛ چراکه پیش‌ازآن و از طریق اعمال طبیعی از تحریم‌ها به بهانه‌های بی‌اساس مانند هسته‌ای، موشکی، حقوق‌ بشری، فضای سایبری و...، سپاه به انضمام همه فرماندهان و اعضای آن و نیز همه نهادها و شرکت‌ها و طرف‌های معامله با آن تحت جامع‌ترین و گسترده‌ترین تحریم‌ها قرار گرفته است (از آنجا که در یادداشت‌های دیگر به تفصیل به این موضوع پرداخته‌ام، در اینجا از ورود به جزئیات خودداری می‌کنم). این اقدام جدید آمریکا تنها ممکن است از نظر سیاسی و روانی بر شرکت‌های غیرایرانی اثراتی داشته و با تبلیغ احتمال مشارکت غیرعلنی سپاه در برخی پروژه‌ها، آنها را بیش‌ازپیش از کار با شرکت‌های ایرانی برحذر دارد.
۳- تکلیف تعامل سپاه و ستنگام در حوزه‌های عملیاتی چیست؟ خلیج فارس یکی از مناطقی است که شناورهای این دو نیرو در آن حضور فعال دارند. صرف اینکه یک گروه از سوی کشوری تروریست نامیده شود، به این معنی نیست که آن کشور به طور اتوماتیک متعهد به برخورد نظامی مستقیم با آن گروه است. ایران نیز خود عملا مطابق این قاعده عمل کرده است. ما نیز برخی گروه‌ها را تروریستی می‌دانیم؛ بدون اینکه برنامه‌ای برای برخورد نظامی با آنها داشته باشیم. مثلا درحالی‌که اقدام نظامی علیه گروه به‌اصطلاح «جیش‌العدل» در دستور کار است، القاعده را نیز تروریستی می‌دانیم؛ اما در پی

ادامه در صفحه ۴